

مزیدیان حله

صغری یاریقلی



مزیدیان: پژوهشی درباره‌ی اوضاع سیاسی و فرهنگی
امیرنشین مزیدی اسدی در حله
نویسنده: عبدالجبار ناجی الیاسری
مترجم: عبدالحسین بینش
مشخصات نشر: قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول،
۱۳۹۰، ۲۹۷ صفحه.

مقدمه

اهمیت و جایگاه سلسله‌های محلی بر کسی پوشیده نیست و شناخت آن دسته از امیرنشین‌ها و حکومت‌های محلی که نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در تاریخ دارند، از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. برای نمونه، مطالعه‌ی تاریخ سیاسی - اجتماعی آل‌بویه و سلجوقیان بدون در نظر گرفتن خاندان‌هایی مانند عقیلیان، اتابکان، مزیدیان ... کم‌حاصل خواهد بود؛ زیرا حوادث و رویدادهای دوران یاد شده، به صورت جدی با حوادث تاریخی این خاندان‌ها در هم آمیخته است. از جمله‌ی این حکومت‌های محلی، امیرنشین بنی‌مزید است که در حدود یک قرن و نیم بر قسمت‌هایی از عراق فرمان راند و با حکومت‌های آل‌بویه، سلجوقیان و خلافت عباسی روابط و درگیری‌هایی داشت (بیات ۱۳۸۴: ۱۳۷). مزیدیان از قبیله‌ی بنی‌اسد (از قبایل سلحشور و بزرگ عرب) بودند و پس از واقعه‌ی کربلا، به دفن پیکر امام حسین (ع) و اصحابش پرداختند که این کار باعث شهرت آنان شد.

علل ظهور این سلسله را باید در ضعف حکومت آل‌بویه جست‌وجو کرد. در این دوره شاهزادگان دیلمی با یکدیگر در کشمکش و ستیز بودند و به مزیدیان که هم‌کیش و گماشتگان خود بودند، چندان اعتنایی نکردند.

بعد از آل‌بویه، امرای مزیدی از سلطه‌ی ترکان سلجوقی بر عراق ناراضی بودند و همواره تلاش می‌کردند به اختلافات میان سلاجقه دامن بزنند. روابط سیاسی مزیدیان با دستگاه خلافت را نیز باید در دو دوره‌ی ضعف و قدرت خلفا بررسی کرد. در دوره‌ی ضعف که مقارن با سلطه‌ی آل‌بویه بر عراق بود، خلفا بر خود بغداد هم حکومتی نداشتند و حکومت‌های محلی، تنها برای حفظ آداب و رسوم رایج، خطبه به نام خلیفه می‌خواندند. مزیدیان که مذهب شیعه داشتند، هم‌چون آل‌بویه، قداست دستگاه خلافت را منکر بودند و زمانی که القائم عباسی با دعوت از طغرل سلجوقی درصدد براندازی آل‌بویه برآمد، دُئیس به بساسیری پیوست و خطبه به نام المستنصر، خلیفه‌ی فاطمی، خواند.

با عنایت به آن‌چه گفته شد، نوشتار حاضر به نقد و بررسی کتاب مزیدیان: پژوهشی درباره‌ی اوضاع سیاسی و فرهنگی امیرنشین

می‌شد. **دُبیس** از دیگر امیرانی بود که زمام امور را به دست گرفت. دوران حکومت **دُبیس** از یک امتیاز مهم تاریخی برخوردار بود و آن این‌که، این دوره با پایان دوران حاکمیت آل‌بویه و آغاز عصر سلطه‌ی سلاجقه هم‌زمان بود. خلیفه‌ی بغداد و سلاجقه مذهب تسنن داشتند، در حالی‌که مزیديان شیعه‌ی امامیه بودند و این عامل در جریان رویدادهای دوران **دُبیس** نقش بزرگی ایفا کرد. دوران حکومت **صدقه بن منصور** از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ مزیديان به شمار می‌آید. در این دوره، امارت مزیديان گسترش فراوان یافت و بسیار قدرتمند جلوه کرد که این موضوع، در وهله‌ی نخست، به شخصیت **صدقه** و کفایت سیاسی و نظامی وی بازمی‌گشت. سال ۵۰۱ ق/ ۱۱۰۷ م در تاریخ بنی‌مزید از سال‌های مهم به شمار می‌آید. در این سال، **صدقه** نافرمانی خویش را نسبت به حکومت بغداد آشکار کرد. خودداری **صدقه** از تسلیم **سرخاب** و عزم وی برای شورش، سلطان را بر آن داشت که لشکری را بسیج کند و آهنگ جنگ وی کند. جنگ به قتل **صدقه** و فرار سپاه او و تسلط سلطان بر حله انجامید. بعد از **صدقه**، فرزندش **دُبیس بن صدقه** به حکومت رسید که او هم به قتل رسید. درباره‌ی قتل **دُبیس** گزارش‌های تاریخی بسیاری وجود دارد، ولی بیش‌تر گزارش‌ها، در این نکته اتفاق دارند که **سلطان مسعود** یکی از غلامانش را فرستاد و او را کشت. این کار **مسعود** برای آن بود که قتل خلیفه را تحت‌الشعاع قرار دهد. قتل **دُبیس** ضربه‌ی تمام‌کننده‌ای را بر امارت بنی‌مزید وارد کرد.

دوران **صدقه** و **دُبیس**، از لحاظ تحکیم ارکان امارت و گسترش روابط خارجی، مهم‌ترین دوره‌ی حکومت بنی‌مزید بود. ولی پس از قتل **دُبیس** سرنوشت این خاندان دگرگون شد و از آن پس، نقش‌چندانی نتوانستند ایفا کنند.

نویسنده در فصل چهارم به بنیه‌ی نظامی بنی‌مزید می‌پردازد و این‌که چگونه امیران و سلاطین در امور نظامی به قبایل صحرانشین ساکن در منطقه‌ی فرات میانه، به‌ویژه هنگام منازعه بر سر قدرت، تکیه می‌کردند. اعراب در ارتش مزیديان عنصر مهمی را تشکیل می‌دادند و در بسیاری از جنگ‌ها با آنان شرکت داشتند. کردها نیز از عناصر مهم ارتش بنی‌مزید بودند. مهم‌ترین قبایل کرد سپاه بنی‌مزید، جوانیه و شاهجان بودند. در مورد چگونگی سازمان‌دهی نظامی کردها و ماهیت ارتباط آن‌ها با بنی‌مزید، اطلاعات زیادی نداریم. واضح است که کردها یک هنگ نظامی در سپاه مزیديان را تشکیل می‌دادند. سپاه مزیديان، چه بسا مانند دسته‌های نظامی موجود در سپاه بغداد، شامل ترکان و دیلمیان هم بوده است. احتمالاً بنی‌مزید درصدد بوده‌اند با سپاه بغداد، با نیروهایی مشابه آن سپاه، مواجه شوند. از این رو، کردها را به خدمت نظامی درآوردند و به آنان القاب ویژه و مال فراوان بخشیدند. ترکمانان نیز گروه دیگر تشکیل‌دهنده‌ی سپاه بنی‌مزید بودند.

فصل پنجم درباره‌ی نظام اداری مزیديان است. آن‌چه بنی‌عباس در امور اداری و مالی از بنی‌مزید می‌خواستند، موارد زیر بود:

۱. سالانه مالی را که گویا مقدار آن از سوی حکومت بغداد تعیین

مزیدي اسدی در حله نوشته‌ی **پرفسور عبدالجبار ناجی الیاسری** می‌پردازد. این کتاب، با ترجمه‌ی **عبدالحسین بینش**، توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه چاپ و منتشر شده است. کتاب شامل هفت فصل است؛ در فصل اول ویژگی‌های سیاسی دوران مزیديان و منابع شناخت ما در این باره، در فصل دوم بنی‌مزید (بنی‌اسد) و قبایل عربی ساکن فرات میانه، در فصل سوم امیران بنی‌مزید، در فصل چهارم بنیه نظامی بنی‌مزید، در فصل پنجم نظام اداری مزیديان، در فصل ششم فعالیت شهرسازی و عمرانی بنی‌مزید در منطقه فرات میانه، و در فصل هفتم تشیع در حله بنی‌مزید، بررسی شده است. در پایان، تبارنامه‌ها و منابع و مأخذ و نمایه‌ها ارائه شده‌اند.

نگاهی به محتوای کلی کتاب

عبدالجبار ناجی الیاسری، در فصل اول، در مورد ویژگی‌های سیاسی دوران مزیديان بحث می‌کند. وی ضمن توضیح محدوده‌ی جغرافیایی منطقه‌ی فرات میانه، اهمیت اقتصادی این منطقه را یادآور می‌شود. منطقه‌ی فرات میانه در مسیر کاروان حاجیانی بود که از سرزمین‌های شرقی در امتداد جاده‌ی ابریشم راه می‌سپردند و خود را به بغداد می‌رساندند و از آن‌جا راه **جامعین** (حله) را به سوی کوفه - جایی که حاجیان پیش از عزیمت به مکه در آن گرد می‌آمدند - در پیش می‌گرفتند. این منطقه در محدوده‌ی نزدیک به بغداد، حکم مزرعه‌ی آن شهر را داشت و پایتخت را از نظر اقتصادی پشتیبانی می‌کرد. علاوه بر اهمیت اقتصادی، این ناحیه از اهمیت استراتژیکی نیز برخوردار بود و حلقه‌ی اتصال میان خلیج فارس در جنوب عراق و نقاط دوردست این کشور و نیز شرق اسلامی به شمار می‌رفت. در کنار این‌ها، دو شهر نجف و کربلا و بارگاه‌ها و زیارتگاه‌های امامان و فرزندان و یارانشان هم در مکان‌های مختلف فرات میانه واقع شده‌اند.

بررسی منابع شناخت مزیديان بحث دیگری است که در فصل نخست به آن پرداخته شده است؛ از جمله به کتاب **بالرزش یوسف کرکوش** و پژوهش **بالرزش** این استاد درباره‌ی تاریخ حله، و کتاب **الکامل فی التاریخ** اشاره شده است.

فصل دوم اثر حاضر به بنی‌مزید (بنی‌اسد) و قبایل عربی ساکن فرات میانه اختصاص دارد. بنی‌شیبان، بنی‌نمیر، بنی‌عقیل، بنی‌خفاجه، بنی‌عباده ... و در نهایت بنی‌اسد از قبایل مهم ساکن در این منطقه هستند که به آن‌ها پرداخته شده است.

فصل سوم، اختصاص به امیران بنی‌مزید دارد. نخستین کسی که در تاریخ بنی‌مزید از او یاد شده، **مزید** است که نسب مزیديان به وی می‌رسد. اما مؤسس حقیقی امارت مزیدي، **علی بن مزید** است. نخستین طرحی که **علی** درصدد عملی ساختن آن برآمد، گسترش مرزها و تثبیت ارکان امارتش بود. اعطای لقب «**سندالدوله**» از سوی خلیفه به **علی بن مزید** نقطه‌ی تحول مهمی در جایگاه سیاسی وی به شمار می‌رود. در قبال این گونه القاب، امیر مزیدي باید مال تقدیم می‌کرد و خدمات ارائه می‌داد و وظایفی را عهده‌دار

مزیدیان با انتخاب شهرهای نیل و جامعین و پس از آن حله، به عنوان مراکز اداری خود، در پیشرفت‌های عمرانی مراکز شهری منطقه‌ی فرات میانه تأثیر فراوانی داشتند

مزیدیان حله

سربازان ترک، محله‌های شیعه‌نشین را غارت کردند، خون‌های زیادی ریخت و یکی از بزرگان علوی به دست اهل تسنن کشته شد. صدقه سپاهی آماده کرد و فرماندهی آن را به ابوالحسن فاسی داد و به او فرمان داد که خانه‌ی همه‌ی کسانی که علویان را کشته‌اند به آتش بکشد و همه را مجازات کند و آشوب را فرونشاند. امیران مزیدی نسبت به احترام و قداست بارگاه اهل بیت (ع) در نجف اشرف و کربلا سخت معتقد بودند و به زیارت آن‌ها می‌رفتند و شیعیان بغداد نیز به امیران مزیدی احترام می‌نهادند و برای دادن گزارش اوضاع بغداد، به نیل یا حله می‌رفتند. علاوه بر این، امیران بنی‌مزید با حمایت از شاعران، ادیبان، فقیهان و عالمان از نهضت فکری در نیل یا حله پشتیبانی می‌کردند. همه‌ی این موارد، مؤید این نظر است که امارت مزیدی به نهضت تشیع در منطقه‌ی فرات میانه نیرو و توان بخشیده است.

مبحث دوم از فصل هفتم، اختصاص به حیات فکری در حله مزیدی دارد. در این فصل، ابتدا به شعر و شاعران در دوره‌ی مورد بحث پرداخته شده است. شعر در ترسیم رویدادهای تاریخ عرب، چه قبل و چه بعد از اسلام، نقش مهمی ایفا کرده است. شعر در تثبیت و تصحیح گزارش‌های تاریخی و نیرو بخشیدن و دوباره زنده کردن آن‌ها نقش مهمی داشت و از منابع اصلی تاریخ هر دوره به شمار می‌رفت و در جان اعضای قبایل جزیره‌ی عرب تأثیر ژرف می‌نهاد. اما در دوره‌ی مورد بحث، یعنی دوره‌ی بنی‌عباس، به شعر بهایی بسیار اندک داده می‌شد. نیاز به شعر رو به کاهش گذاشته بود و سیاست و حکومت بر پایه‌های غیرقبیله‌ای استوار بود. در مقابل، حیات ادبی در قلمروی بنی‌مزید به علت حفظ هویت صحرانشینی جان تازه‌ای گرفت؛ امیران این خاندان شعر را دوست می‌داشتند و خود نیز شعر می‌گفتند. شاعران زیادی راه حله را در پیش گرفتند و در آن دیار ساکن شدند.

از امرای مزیدی، صدقه کتابخانه‌ای غنی داشت که هزاران جلد کتاب را در خود جای داده بود.

از شاعران معروف این دوره، می‌توان به افضل‌الدوله ایبوردی، بند نبیجی، محمد بن حیدر بن عبدالله بغدادی، و مزید بن صفوان بن حسن بن منصور بن دبیس بن علی بن مزید اشاره کرد. از فقهای معروف شهر حله، محمد بن علی، مشهور به ابن حمیده، و محمد بن احمد ملقب به ابوالفرج بود. حله در زمان مزیدیان

می‌شد، پیردازند؛

۲. نام خلیفه و سلطان را در خطبه‌ی جمعه بیاورند؛

۳. در مواقع بحرانی به حکومت بغداد کمک مالی بدهند؛

۴. نام خلیفه و سلطان را بر سکه بزنند؛

۵. امنیت را تأمین کنند؛

۶. در مقابل تهاجم دیگر قبایل بایستند؛

۷. راه‌های حاجیان را در امنیت نگه دارند.

در فصل ششم، فعالیت‌های عمرانی و شهرسازی بنی‌مزید در منطقه‌ی فرات میانه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. مزیدیان با انتخاب شهرهای نیل و جامعین و پس از آن حله، به عنوان مراکز اداری خود، در پیشرفت‌های عمرانی مراکز شهری منطقه‌ی فرات میانه تأثیر فراوانی داشتند. شهرهای آباد بابل، سورا، و قصر ابن‌هیره جزو شهرهای باشکوهی بودند که کارگزاران و والیان در آن منزل می‌کردند.

فصل هفتم با عنوان «تشیع در حله بنی‌مزید»، دو مبحث را شامل می‌شود. در بحث اول، نقش حله و منطقه‌ی آن در حرکت تشیع، بیان شده است. فرات میانه نقش برجسته‌ای در حرکت تشیع ایفا کرده است. این منطقه دو شهر مقدس نجف اشرف و کربلا را به یکدیگر پیوند می‌دهد و علاوه بر آن، بسیاری از زیارتگاه‌ها و بارگاه‌های امامان و فرزندان آن‌ها در این منطقه قرار دارد. به این ترتیب، می‌توان به ارتباط معنوی میان ساکنان این منطقه‌ی پهناور با تشیع و دوستی آنان نسبت به اهل بیت پی برد. در این که قبایل ساکن منطقه، شیعه‌ی دوازده‌امامی بوده‌اند هیچ تردیدی وجود ندارد. در سال ۴۰۷ ق، در واسط، میان شیعه و سنی آشوب قومی روی داد که در نتیجه‌ی آن، سنی‌ها، محله‌های شیعی و زیدی‌نشین را غارت کردند.

آن‌گاه بزرگان و پیشوایان شیعه گروهی را برای شکایت نزد علی بن مزید فرستادند و خواستار کمک او شدند. با آن که آل‌بویه، قدرت سیاسی و نظامی را در دست داشتند، اهالی واسط به جای آن‌ها، از مزیدیان کمک خواستند، که این بیانگر اقتدار گسترده‌ی مزیدیان بود. مزیدیان، تکیه‌گاه مردم منطقه و مناطق مجاور آن مانند واسط بودند و اهالی منطقه، به این که زمام امور شیعیان در دست مزیدیان باشد رضایت داشتند.

در فتنه‌ای که در روزگار ترکان سلجوقی (در سال ۴۸۲ ق) در بغداد میان شیعیان و اهل تسنن روی داد و طی آن، سنیان با کمک

مرکز تصمیم‌گیری‌های سیاسی مهم محسوب می‌شد، چنان‌که در حمله‌ی **هولاکو**، ساکنان حله به همراه شماری از عالمان بلندمرتبه برای قانع کردن وی به خودداری از حمله به حله پیشگام شدند و به کمک برادران خود در پایتخت شتافتند و اقدام به خرید کتاب‌های در معرض نابودی کردند و آن کتاب‌ها را موضوع درس و بحث قرار دادند و در حفظ میراث اسلامی کوشیدند. همین امر موجب شد که مکتب علمی و فقهی حله متحول شود و برای سال‌های طولانی حله و نجف مرکز علوم امامیه قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

بنی‌مزید از قبیله‌ی اسد، از اعراب شمالی بودند و تمایلات شیعی داشتند. اینان بر ناحیه‌ی میان هیت و کوفه دست یافتند و در دوره‌ی حکومت امیر **معزالدوله دیلمی**، در فاصله‌ی زمانی میان ۹۵۶/۳۴۵ و ۹۶۳/۳۵۲ زمین‌هایی را به تصرف درآوردند. آغاز حکومت **علی بن مزید** را باید، بنا بر قول مقدسی، مدت‌ها پیش از آغاز قرن پنجم/ یازدهم - که معمولاً در مآخذ غربی آغاز حکمرانی او دانسته می‌شود - دانست. به نظر می‌رسد که حله پایتخت مزیدیان در آغاز قرن پنجم/ یازدهم یک ماندگاه دائمی بوده است نه یک اردوگاه موقت، و به تدریج با آبادی جامعین یکی شده و جانشین آن شده است. در زمان حکومت **صدقه بن منصور**، بر گرد شهر حصار محکمی کشیدند و به این ترتیب، حله مرکز قدرت بنی‌مزید در عراق شد. بنی‌مزید با آن‌که در اصل از اعراب بدوی بودند، اما نشان دادند که مدیران و سیاست‌مداران ماهر هستند. آن‌ها در اتحادها و اتفاق‌های عراق دوره‌ی سلجوقی نقش‌های مهمی ایفا کردند. نخستین رقباى آن‌ها، بنی‌عقیل، حکمرانان موصل و جزیره، بودند. بنی‌عقیل در دوره‌ی حکومت **دبیس اول ابن علی** به پشتیبانی از برادر وی، **مقلد** - که برای به دست آوردن امارت مزیدیان می‌کوشید - برخاستند. هنگامی که **طغرل** و سلجوقیان به عراق درآمدند، **دبیس** از ترس مهاجمان ترک، **ارسلان بساسیری** را که از سرداران شیعی طرفدار فاطمیان بود، در بغداد پشتیبانی کرد. در دوران سلطنت پراگشتاش **برکیارق سلجوقی**، **صدقه اول** که «پادشاه عرب» خوانده می‌شد، نفوذ بسیاری به هم زد، اما **سلطان محمد بن ملک‌شاه** همین که بر تخت فرمانروایی استقرار یافت، به جنگ با دست‌نشانده‌ی نیرومند خود برخاست و در سال ۱۱۰۸/۵۰۱ او را شکست داد و کشت. امرای بعدی بنی‌مزید با امرای مختلف ترک بر ضد **سلطان مسعود بن محمد سلجوقی** هم‌داستان شدند و حله چند بار به‌وسیله‌ی سلجوقیان و لشکریان خلیفه اشغال شد. پسر **صدقه**، **دبیس دوم**، در میان صلیبیان و دیگران شهرت بسیار یافت و یکی از حامیان بزرگ شعر عربی در زمان خود بود. وی به دست یکی از فداییان اسماعیلی در همان زمانی که فداییان **مسترشد**، خلیفه‌ی عباسی، را به قتل رساندند، کشته شد. پس از آن که آخرین امیر مزیدی، **علی دوم ابن دبیس** در ۱۱۵۰/۵۴۵ درگذشت، گویا پسرش **مهلهل** در حله جانشین او شد. اما این **مهلهل** شخصیت نامعلومی است که نه از امارت او در حله و نه از طول زمانی که بر سر قدرت بوده، چیزی دانسته نیست.

شهر به طور مسلم در ۱۱۶۳/۵۵۸ جزو قلمروی **مستنجد**، خلیفه‌ی عباسی، بود و قدرت بنی‌مزید و بنی‌اسد در آن‌جا پایان یافته بود. به نظر نمی‌آید که امیران مزیدی به نام خود سکه ضرب کرده باشند (باسورث ۱۳۸۱: ۱۷۹؛ حاجی خلیفه ۱۳۷۶: ۳۲۰).

در اثر ارزشمند مزیدیان: پژوهشی درباره‌ی اوضاع سیاسی و فرهنگی امیرنشین مزیدی اسدی در حله تلاش فراوانی شده تا جزئیات مفصلی درباره‌ی پیدایش و نحوه‌ی حکومت مزیدیان و روابط سیاسی آن‌ها با خلیفه‌ی عباسی در اختیار خواننده قرار گیرد. نویسنده در اثر حاضر با یک نگاه توصیفی - تحلیلی کوشش کرده است یافته‌های خود درباره‌ی مزیدیان را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. برای اثر فوق چند ویژگی را می‌توان نام برد:

- از ویژگی‌های مثبت پژوهش حاضر، استفاده از منابع و مآخذ غنی است. نسخه‌های خطی، پژوهش‌ها و مقالات عربی و لاتین بسیاری مورد استفاده قرار گرفته است. اکثر ارجاعات نویسنده‌ی محترم به منابع دست‌اول است که ارزش علمی کار را دوچندان کرده است.

- آوردن تبارنامه‌های قبائل تحت حاکمیت دولت مزیدیان نیز یکی از موارد مثبت کتاب است که بحث فصل دوم پژوهش، یعنی قبایل عربی ساکن فرات میانه را تکمیل می‌کند.

- از دیگر مزایای این پژوهش، فهرست و فصل‌بندی منظم و منسجم کتاب است که با هدف شناسایی دقیق این امارت و امیران آن انجام شده است.

گذشته از تمام ویژگی‌های مثبت این کتاب، به نظر می‌رسد بحث در زمینه‌های مختلف حیات فکری و تشیع در حله می‌توانست بسیار غنی‌تر باشد و تأثیر تشیع مزیدیان در دوره‌های بعدی و جایگاه حله به عنوان یکی از مراکز مهم علمی و فرهنگی و وجود فقه‌ای برجسته‌ی این دیار، می‌توانست بیش‌تر مورد توجه قرار گیرد.

منطقه‌ی تحت حکومت مزیدیان به لحاظ اقتصادی اهمیت زیادی داشت. اقتصاد مزیدیان و تأثیر آن بر همسایگان و حتی حکومت مرکزی، می‌توانست بیش‌تر مورد بحث و بررسی قرار گیرد و در فصلی جدا، بررسی شود؛ هرچند در فصل فعالیت‌های عمرانی و شهرسازی به‌اختصار به مباحث اقتصادی هم پرداخته شده است. ضمن ارج نهادن به کار ارزشمند مترجم محترم، باید گفت که در برخی قسمت‌های کتاب اشتباهاتی روی داده است: مثلاً در صفحه‌ی ۱۰ به جای «مزیدیان»، «منذریان» آمده و این اشتباه در خط سوم و ششم هم تکرار شده است و در صفحه‌ی ۸۶ به جای دوران امارت «منصور»، «دبیس» ذکر شده است.

منابع و مآخذ

باسورث، ادموند کلیفورد (۱۳۸۱). **سلسله‌های اسلامی جدید: راهنمای گاهشماری و تبارشناسی**، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای. تهران: نشر مرکز باستان‌شناسی اسلام و ایران.

بیات، عزیزالله (۱۳۸۴). **تاریخ تطبیقی ایران با کشورهای جهان**. تهران: امیرکبیر.
حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله چلبی (۱۳۷۶). **ترجمه تقویم التواریخ**، به تصحیح میرهاشم محدث. تهران: احیاء کتاب.